



بیانات در دیدار مسئولان و فعالان حفظ منابع طبیعی، محیط زیست و فضای سبز شهری - 17 / اسفند / 1393

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنیم به آقایان محترم، خانمهای محترم. از مشاهده‌ی این جمعیت بحمدالله بزرگ در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی، هم انسان خوشحال میشود، هم نگران میشود؛ خوشحال از این جهت که بحمدالله این‌همه نیروی انسانی شاداب و گرم و علاقه‌مند و وارد در کار، متوجه این مسئولیت بزرگ و مهمند؛ لکن نگرانی‌ای هم وجود دارد و آن اینکه آیا این مجموعه‌ای که شما هستید که از دستگاه‌های مختلف هستید، حول یک محور، هماهنگی لازم را دارید یا نه. اهمیت مسئله‌ی محیط زیست ایجاب میکند که همه‌ی دستگاه‌هایی که به‌نحوی با مسئله‌ی محیط زیستی انسان در کشور مرتبطند، با یکدیگر به‌صورت صمیمانه همکاری کنند. به‌رحال از خداوند متعال، هدایت او را و کمک او را برای شما مسئلت میکنیم.

و اما مناسبت جلسه‌ی امروز ما این است که ما هر سال در هفته‌ی نهال‌کاری و روزهای مربوط به محیط زیست و مانند اینها، به‌صورت نمادین یکی دو درخت اینجا بر زمین می‌نشانیم؛ خوب، احساس وظیفه‌ای بود که مردم توجه پیدا کنند به مسئله‌ی درخت‌کاری؛ بی‌تأثیر هم نبوده. به درخت‌کاری - بخصوص در برخی از مناطق کشور، از جمله تهران - در این سالها توجه شده است؛ برخی از کمبودها و مشکلاتی که در گذشته به‌وجود آمده، بتدریج اندکی حل شده؛ لکن همه‌ی مسئله این نیست. امسال به نظر ما رسید که به مناسبت اهمیت مسائلی که امروز ما دست به گریبان با آن مسائلیم، خوب است که این جلسه را تشکیل بدهیم و قدری مطالبی را عرض بکنیم. بعد هم دنباله‌ی کار رها نشود و مسئولان در پی یک اقدام اساسی و جدی در [حل] مسائل مربوط به محیط زیست ان‌شاءالله باشند. البته برای من یک گزارشی آوردند از صحبت‌هایی که در این چند سال - از سال ۷۷ تا امروز، پانزده سال - درباره‌ی این مسئله کرده‌ایم، خیلی حرفها گفته شده، توصیه‌ها شده، لکن توصیه به‌تنهایی علاج و درمان مشکلات بزرگ نیست. یک تحرک و حرکت جدی‌ای باید دنبال کار باشد. البته کارهای خوبی هم در این سالها انجام گرفته که چشم به آنها هم نمیشود بست.

من چند مطلب را عرض میکنم؛ اولاً نظر اسلام نسبت به زمین و کوه‌ی خاکی و این مجموعه‌ای که گاهواری زندگی انسان و محلّ ولادت و نشوونما و سپس مرکز بازگشت انسان است؛ نظر اسلام نسبت به زمین و آنچه در زمین است. یک جا قرآن میفرماید: *وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ*؛ (۱) زمین را - یعنی این کوه‌ی ارضی را - برای انسانها ما آفریدیم؛ مال همه است. متعلق به بعضی نیست؛ بعضی حقّ بیشتری از بعضی دیگری ندارند؛ متعلق به نسلی دون (۲) نسلی نیست؛ امروز متعلق به شما است؛ فردا متعلق به فرزندان شما، به نوه‌های شما و به دودمان شما تا آخر؛ و در همه‌جای سطح کوه‌ی زمین این‌جوری است. خلقت زمین مال انسانها است؛ متعلق به آنها است. در یک آیه‌ی دیگر میفرماید: *خَلَقَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا*؛ (۳) همه‌ی آنچه در زمین است و متعلق به زمین است، برای شما انسانها آفریده شده؛ بنابراین چون مال خودتان است، به نفع شما است، متعلق به شما است، باید تخریبش نکنید. همه چیزش هم [باارزش] است؛ یک چیزهایی هست که به‌نظر انسان سطحی ممکن است باارزش بیاید، چیزهایی هم به‌نظر او بی‌ارزش بیاید، اما همه‌ی آنها باارزش است. یک روزی هم در همین کشور ما کسانی بودند که میگفتند این ماده‌ی متعقن به چه درد ما میخورد؛ منظورشان نفت بود. عده‌ای ممکن است از سرسبزی منطقه‌ی شمال کشور لذت ببرند، از کویرها خوششان نیاید؛ اما بروید با آقای دکتر کردوانی (۴) بنشینید و ببینید ایشان راجع به کویر چه میگوید. همه‌ی آنها مثل هم است؛ همه‌ی آنها نعمت است، همه‌ی آنها موهبت است، همه‌ی آنها هم مال شما است؛ حق ندارید تخریب کنید؛ نه باغ و بوستان را، نه جنگل را، نه مرتع و دشت را، نه کویر را؛ همه‌ی آنها متعلق به انسانها است؛ بایستی از اینها بهره ببرید.



در آیه‌ی دیگر میفرماید: وَ اسْتَعْمَرَكُم فِيهَا ؛ (۵) خداوند متعال که خالق این زمین و خالق شما است، شما را موظف کرده است که این زمین را آباد کنید ؛ یعنی ظرفیتهای موجود در این مجموعه‌ی کره‌ی ارضی را به فعلیت برسانید. خیلی از ظرفیتهای هست که ناشناخته است، بعد شناخته میشود و بعد اهمیّت آنها و ارزش آنها فهمیده میشود ؛ این کار کار شما است ؛ شما باید بکنید. امروز هم که ما خیال میکنیم از همه‌ی ظرفیتهای زمین داریم استفاده میکنیم، حقیقت مطلب این نیست ؛ ممکن است میلیون‌ها برابر آنچه امروز شما از آب و از خاک و از هوا و از موادّ زیرزمینی و از محصولات روی زمین استفاده میکنید، بشود به‌نحوی استفاده کرد که امروز ما از آن خبری نداریم. باید بشر به‌طور دائم ظرفیتهای جدیدی را پیدا کند ؛ از این ظرفیتهای به نفع زندگی بشر استفاده کند.

یک آیه‌ی دیگر درباره‌ی الدّالْخِصَام است ؛ یعنی لجوج‌ترین، خبیث‌ترین، سرسخت‌ترین دشمنان که خصوصیاتِ برایش ذکر میشود ؛ یکی از خصوصیات این است: إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ ؛ (۶) حرث و نسل را از بین میبرد، فاسد میکند ؛ کشت را - یعنی تولید گیاهی را و تولید انسانی را - نابود میکند و از بین میبرد.

امروز اگر شما نگاه کنید در سیاستهای دنیا میتوانید پیدا کنید کسانی را که همین کار را بالفعل با همه‌ی ملتهای و یا با بسیاری از ملتهای دارند انجام میدهند ؛ إهلاک حرث و إهلاک نسل ؛ این را خدای متعال فساد میداند، بعد هم میفرماید: وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْقَسَادَ. (۷) حالا این چند آیه بود که من خواندم ؛ ده‌ها روایت با مضامین عالی در اسلام، در متون دینی ما درباره‌ی زمین، درباره‌ی محیط زیست ما هست ؛ همین آیاتی که الان اینجا تلاوت کردند (۸) از جمله‌ی این آیات است که اشاره میکند به فراورده‌های روی زمین که همه‌اش مال بشریّت و متعلّق به شما است ؛ قضیه‌ی محیط زیست خیلی قضیه‌ی مهمّی است. خلاصه‌ی اهمیّت این قضیه عبارت است از مسئولیّت انسان در قبال طبیعت ؛ باید احساس مسئولیّت کند. همچنان که در قبال انسانها احساس مسئولیّت میکنیم، در قبال طبیعت هم باید احساس مسئولیّت کنیم. اسلام و ادیان الهی خواسته‌اند تعادل میان انسان و طبیعت را حفظ کنند ؛ این، آن هدف اساسی و اصلی است. عدم حفظ این تعادل ناشی از عواملی است که عمده‌اش خودخواهی‌های انسان است ؛ قدرت‌طلبی است ؛ قلدری و گردن کلفتی بعضی از ما انسانها است. وقتی این اتفاق نیفتاد - یعنی این تعادل حفظ نشد - آن وقت بحران محیط زیست پیش می‌آید ؛ بحران محیط زیست به همه‌ی بشر و به همه‌ی نسلها آن وقت ضرر میزند.

امروز این بحران مخصوص ما نیست - حالا اگر تعبیر «بحران» صحیح باشد ؛ لااقل «چالش بزرگ» - این چالش بزرگ، امروز مخصوص ما نیست ؛ امروز در همه‌ی دنیا این چالش وجود دارد و ناشی از همان عدم احساس مسئولیّت است. شما دیدید در قضیه‌ی «پیمان کیوتو» (۹) آمریکا به‌عنوان یک دولت قلدر ایستاد - چندسال قبل از این من در نماز جمعه هم مطرح کردم و همین را گفتم - (۱۰) یعنی یک برخورد قلدرمآبانه با یک پیمانی که این پیمان مربوط به یک کشور و دو کشور و این گوشه‌ی دنیا و آن گوشه‌ی دنیا نیست ؛ مربوط به همه‌ی جهان است. مسئله‌ی گازهای گلخانه‌ای چیزی نیست که به یک کشور و به یک عده از مردم صدمه بزند ؛ نه، مال همه‌ی بشریّت است. منتها مشکل اساسی در باب مسائل محیط زیست این است که آثار تخریب با آسانی و بزودی ظاهر نمیشود ؛ وقتی ظاهر شد، علاج آن آسیب‌ها و مشکلهای هم بعضاً بلندمدت و بعضاً ناممکن است. فرض بفرمایید که آب شدن یخهای قطبی - که منتهی بشود به بالا آمدن سطح آب دریاها و مسائل گوناگون زیستی فراوان دیگری که برایش پیش می‌آید - دیگر چیزی نیست که قابل علاج باشد برای بشر ؛ اینها دیگر چیزهایی نیست که بشود در ظرف ده سال و بیست سال و صد سال جبران کرد ؛ آثار ماندگاری برای بشریّت دارد. یعنی وقتی انسانهایی پیدا شدند که احساس مسئولیّت نکردند، ثروت‌های عمومی عالم را خواستند تبدیل کنند به ثروت شخصی، از هر امکانی برای فریب کردن وجود خودشان استفاده کنند، نتیجه میشود این. قلدری بشر، خطشکنی‌های قلدرمآبانه و گردن کلفتی‌های قدرتهای بشری،



قدرتهای زر و زور در دنیا و در سطح جهان یک چنین نتایج و آثاری دارد.

خب، اینها در ابعاد جهانی این جوری است؛ در ابعاد کشوری هم همین است؛ در ابعاد کشوری هم که ما حالا درباره‌ی مسائل کشور خودمان فعلاً داریم بحث میکنیم، قضیه‌ی این است؛ یعنی آنجا هم آسیب‌ها آسیب‌هایی نیست که به آسانی بشود برطرف کرد. فرض بفرمایید فرسایش خاک در کشور بر اثر سهل‌انگاری‌ها و بدعمل کردن‌ها و ندانم‌کاری‌ها؛ فرسایش خاک چیزی نیست که بعد بشود به آسانی جبران‌ش کرد. قضیه‌ی خاک از قضیه‌ی آب مهم‌تر است؛ ما مشکل آب هم داریم، مشکل بزرگی هم هست، لکن برای تهیه‌ی آب راه‌های فراوانی وجود دارد؛ برای تهیه‌ی خاک حاصلخیز این راه‌ها دیگر وجود ندارد. یعنی بی‌توجهی به مبانی حفظ محیط زیست، گاهی اوقات یک چنین مشکلاتی را به وجود می‌آورد؛ آسیبی که وارد میشود، آسیبی نیست که بشود [جبران کرد]. خب، میشود پیشگیری کرد، میشود علاج کرد؛ هم پیشگیری میشود کرد بسیاری از این چیزها را - که عمدتاً هم پیشگیری است - هم بعضی‌ها قابل علاج است و بایستی اینها را علاج کرد.

حالا فرض بفرمایید مسئله‌ی آلودگی هوا. جزو مسائل مهمّ زیست محیطی امروز ما در کشور، مسئله‌ی آلودگی هوا در شهرهای بزرگ کشور است؛ در تهران و کلان‌شهرهای کشور؛ خب، مسئله‌ی مهمّی است، این را میشود پیشگیری کرد، میشود هم علاج کرد. اگر ما حقیقتاً با هم همدل، هم‌زبان، هم‌نیت نیروهایمان را روی هم بگذاریم - همه‌ی کسانی که اطراف این قضیه هستند - این کار را میشود حل کرد. فلان کشور یک پنجم خاک ما وسعت دارد، دو برابر ما جمعیت دارد، مشکل آلودگی هوا را حل کرده؛ پس میشود [حل] کرد. بنابراین این کار ممکن است؛ ما هم میتوانیم حل کنیم. مسئله‌ی غبار را - به قول معروف این ریزگردها را - مثلاً میشود حل کرد؛ اینها قابل حل است، البته صبر، حوصله، تدبیر، دنبال‌گیری و این چیزها لازم است. مسئله‌ی محیط زیست، مسئله‌ی این دولت و آن دولت نیست؛ مسئله‌ی طولانی‌مدت است؛ مسئله‌ی زید و عمرو نیست؛ مسئله‌ی این جریان و آن جریان نیست؛ مسئله‌ی همه‌ی کشور است؛ همه باید دست‌به‌دست هم بدهند و این مشکل را حل کنند.

سه عنصر اساسی در محیط زیست هست که اینها را بایستی مورد توجه قرار داد: هوا، آب، خاک. همه‌ی همّت را باید [روی اینها] گذاشت. [طبق] این آماری که به من دادند، در تهران هفتاد درصد مشکل آلودگی هوا، مربوط به حمل و نقل است، سی درصد مربوط به صنایع آلاینده است - حالا این آماری است که به من دادند؛ ممکن است اندکی کمتر یا زیادتر [باشد]؛ در بین شماها متخصصین هستند، اطلاعاتشان ممکن است دقیق‌تر باشد - خیلی خب، پس [عامل] معلوم شد؛ عامل را وقتی شناختیم، یک قدم به حلّ مشکل نزدیک شدیم؛ باید با جدّیت سراغ این مسئله رفت. این چیزها چیزهای تبلیغاتی نیست؛ اینها از آن اموری نیست که اول تابلویش را باید زد؛ [بلکه] اول باید کار را انجام داد. وقتی کار انجام گرفت، همه‌ی مردم بدون تابلو [هم] احساس میکنند.

مسئله و مشکل پدیده‌ی غبار که دیروز در خوزستان، امروز در کرمان و ممکن است فردا در یک نقطه‌ی دیگر زندگی مردم را مشکل بکند، باید علاج بشود. مشکل پدیده‌ی غبار فقط تنفس مردم نیست؛ به بنده گزارش دادند که جنگلهای غرب کشور - جنگلهای بلوط - به خاطر این پدیده‌ی غبار در خطر نابودی است؛ که اگر چنانچه خدای نکرده این مشکل پیش بیاید، ضررهایش بمراتب بیشتر از آن چیزی است که ما از تنفس در تهران یا در یک جای دیگر در هوای غبارآلود ضرر و زیان می‌بینیم. باید به‌طور جدّی دنبال بود، باید کار را دنبال کرد، باید دید علت چیست؛ علتها را شناخت و به‌صورت جدّی درصدد علاج برآمد.

یک مسئله مسئله‌ی آب و مصرف آب [است]. من دو سه سال پیش به نظرم در صحبت اول فروردین اشاره کردم که نود درصد آب کشور صرف کشاورزی میشود. (۱۱) همه‌ی مصارف دیگر - مصارف شرب و شهر و صنعت و غیره - ده درصد است. ما اگر چنانچه بتوانیم با تدابیری در آن نود درصد که صرف کشاورزی میشود، ده درصد صرفه‌جویی بکنیم، معنایش این



است که به همان اندازه‌ای که امروز آب برای شرب و شهر و روستاها و صنعت و غیره مصرف میکنیم، به همین اندازه آب در اختیار کشور قرار میگیرد. این چیز کوچکی است؟ این چیز با این عظمت، ارزش این را ندارد که همه‌ی مسئولین، دست‌اندرکار بشوند و بروند دنبال این قضیه؟ با آبیاری قطره‌ای، با شبکه‌سازی‌های درست و خوب [صرفه‌جویی کنند]. آب پشت سدها را ما اگر چنانچه جمع کنیم، [اما] شبکه‌سازی درست نکنیم - کما اینکه متأسفانه در موارد زیادی قضیه از این قرار است - خب این آب را درواقع هدر میدهیم، تبخیر میشود میرود؛ علاوه بر اینکه حالا مشکلاتی هم پشت سدها به وجود می‌آید. کارهای فراوانی است که باید انجام بگیرد؛ اینها جزو چیزهای بسیار مهم است.

مسئله‌ی خاک. عرض کردیم فرسایش خاک، در بلندمدت خطر بزرگ‌تری از کمبود آب است. چند سال قبل از این بحثهای آبخیزداری و آبخوان‌داری و مانند اینها مطرح شد، کارهایی هم انجام گرفت؛ باید اینها با جدیت و قوت دنبال بشود؛ این کارها متوقف نماند.

یکی از مشکلات عمده‌ی ما در کشور - که این را برحسب تجربه من عرض میکنم به شما برادران و خواهران عزیز - پیگیری نکردن است؛ کار را خوب شروع میکنیم [اما] پیگیری لازم همیشه وجود ندارد؛ در بعضی از موارد چرا؛ هر جا خوب پیگیری کردیم، به نتایج خیلی خوب رسیدیم، در بسیاری از جاها هم کار، وسط کار متوقف میشود، پیگیری نمیشود؛ این یکی از مشکلات اساسی است. هر کدام از شماها در بخشهای مختلف، مدیریتی دارید؛ مدیران کشور باید به این مسئله توجه کنند که پیگیری بسیار مهم است.

یک مسئله مسئله‌ی جنگلها و مراتع است؛ این جنگلها و مراتع ما، هم ریه‌های تنفسی شهرها و محیطهای زندگی‌اند، هم نگهبان خاکند و خاک را که این همه درباره‌ی اهمیتش گفتیم، حفظ میکنند؛ این جنگلها را باید حفظ کرد. متأسفانه در بخشهای مختلف کشور، این جنگلهای متراکم و انبوه شمال کشور بعضاً مورد چپاول و غارت، و بعضاً آخر (۱۲) مورد بی‌توجهی و بی‌اهتمامی قرار میگیرد. من تأکید میکنم اجازه ندهید به این جنگلها دست‌درازی بشود؛ بخشهای مختلف کشور که مسئولیتی در این زمینه دارند، از منابع طبیعی گرفته تا محیطزیست تا بقیه‌ی دستگاه‌هایی که ارتباطی با این قضایا دارند، اجازه ندهند با بهانه‌های مختلف - از شهرسازی درست کردن و جذب گردشگر و هتل‌داری و مانند اینها بگیرد تا مدرسه‌ی علمیه و حوزه‌ی علمیه؛ همه‌ی اینها بهانه‌هایی میشوند و شده تاکنون - که جنگلها را ما دست بخورند، به آنها تعرض بشود؛ به جنگلها تعدی بشود و تاکنون به جنگل تعدی شده؛ جلوی آنها را با استحکام کامل بگیرید.

یک مسئله پدیده‌ی زمین‌خواری است. البته پدیده‌ی زمین‌خواری پدیده‌ی جدیدی نیست؛ قدیمی است؛ ما از دوره‌ی نوجوانی و جوانی مکرر میشنفتیم زمین‌خواران، زمین‌خواران! خب، توقع این بوده است که در نظام اسلامی و جمهوری اسلامی این پدیده متوقف بشود؛ اجازه ندهیم کسانی بیایند با دست‌اندازی به زمینهای گوناگون اطراف شهر و حومه‌های شهر و مناطق خوب، ثروت عمومی را به نوبه‌ی خود تبدیل کنند به ثروت شخصی. این بوستان عظیمی که فرض کنید در فلان نقطه‌ی شهر واقع است، یک ثروت عمومی است؛ [اینکه] کسانی بیایند با زرنگی، با دست‌کاری کردن قانون، با احیاناً خریدن یکی دو نفر آدم سست‌عصر در فلان دستگاه، این ثروت عمومی را تبدیل کنند به ثروت شخصی خودشان، خیلی رنج‌آور است!

حالا بحث زمین‌خواری، یواش‌یواش شده کوه‌خواری! بنده گاهی که میروم ارتفاعات شمال تهران و نگاه میکنم، انسان واقعاً خیلی متأسف میشود. بارها من در دیدار با مسئولین شهری و مسئولین دولتی و مانند اینها این مسائل را در میان گذاشته‌ام. خب تلاش هم کرده‌اند لکن قاطع باید برخورد کنند. مسئولین باید در مقابل این سوءاستفاده‌کننده قاطعیت به خرج بدهند؛ عرضه باید به خرج بدهند؛ نگذارند فلان آدم سوءاستفاده‌چی با شیوه‌های مشخص [سوءاستفاده کند]. انسان از آن بالا که نگاه میکند، میفهمد و میبیند که چه کار دارند میکنند. اول میروند

اجازه میگیرند، یک تأسیساتی در انتهای یک زمین درست میکنند؛ بعد که انتهای زمین مال آنها شد، همه‌ی سطح زمین به‌طور طبیعی قابل نقل و انتقال خواهد شد؛ از این کارها میکنند. این شمال تهران و غرب تهران، در واقع مجاری تنفسی شهر تهران است؛ ارتفاعات شمال تهران را یک جور، طرف زمینهای غرب تهران را یک جور. در مشهد - شهر ما - من رفتم دیدم طرف ارتفاعات جنوب شهر که درواقع مرکز تنفس شهر است، دارند افرادی آن بالا خانه میسازند، هتل میسازند، ساختمانهای چند طبقه میسازند؛ اینها بد است، اینها غلط است؛ جرم بدانید اینها را. یکی از کارهای اساسی «جرم‌انگاری» در قانون است؛ اینها را باید جرم دانست در قانون و این کسانی که این کارها را میکنند تعقیب قضائی کرد. صرف اینکه بروند قلع بنا نکنند، کافی نیست؛ که آن را هم متأسفانه در مواردی نمیکنند، کوتاهی میکنند.

نباید اجازه داد که منبع شرب تهران مورد تعرض قرار بگیرد؛ منبع هوا و تنفس تهران مورد تعرض قرار بگیرد؛ منابع زندگی در تهران - پایتخت کشور و مرکز دولت اسلامی - مورد تعرض یک عده‌ای قرار بگیرد؛ با اینها باید برخورد کنید. اگر خدای نکرده در داخل دستگاه‌ها کسانی هستند که کوتاهی میکنند، با آنها شدیدتر برخورد کنید؛ اینها جزو کارهای لازم و اساسی است. هم منابع طبیعی، هم شهرداری، هم محیط زیست، هم دستگاه‌های نظارتی - همه‌ی اینها - بایستی با این وضع اُسف‌بار مقابله کنند. بالاخره حفظ محیط زیست و رعایت محیط زیست، یک وظیفه‌ی حاکمیتی است؛ البته مردم هم نقش دارند؛ مردم میتوانند نقشهای خوبی ایفا کنند، همکاری کنند؛ شرطش این است که دستگاه‌های حاکمیتی به‌طور جدی دنبال قضیه باشند. اگر جدیت به‌خرج بدهند، مردم هم به اینها کمک خواهند کرد.

[پس] اولاً تهیه‌ی سند ملی برای مسائل محیط زیست؛ [و بعد] همکاری دستگاه‌ها که اول اشاره کردم که همه‌ی دستگاه‌ها باید بجد با همدیگر همکاری کنند؛ [و بعد] پیوست محیط زیستی برای همه‌ی برنامه‌های سازندگی. همه‌ی برنامه‌های سازندگی از شهری و صحرایی و صنعتی و بقیه‌ی طرحها، حتماً یک پیوست محیط زیستی باید داشته باشد؛ جاده می‌خواهید بکشید، مشخص باشد که تأثیرش در محیط زیست چیست؛ کارخانه می‌خواهد نصب بشود، باید معلوم باشد که تأثیرش در محیط زیست چیست؛ بعضی از مسائل تجاری، بعضی از نقل و انتقال‌ها و کارهای بازرگانی؛ اینها بایستی پیوست محیط زیست داشته باشد.

جرم‌انگاری تخریب محیط زیست. دستگاه قضائی و دستگاه‌های ضابط، و پیش از آنها قوانین مجلس، باید روی این تکیه بکنند. البته قوانینی داریم و الان قوانین خوبی هست، منتها بازننگری لازم است؛ بایستی تخریب محیط زیست جرم محسوب بشود؛ به‌عنوان جرم بایستی تعقیب بشود. پالایش و بازننگری قوانین موجود، تقویت نظارت‌های بی‌اغماض - نظارت انجام بگیرد، هیچ‌گونه اغماضی هم در این نظارت‌ها صورت نگیرد و رؤسای دستگاه‌ها شخصاً نظارت کنند - و شاید از جهتی از همه مهم‌تر، فرهنگ‌سازی است؛ فرهنگ‌سازی؛ مردم بدانند که اهمیت حفظ محیط زیست چقدر است. این را از دبستان باید شروع کنیم، در کتابهای درسی؛ باید بچه‌های ما اهمیت مرتع و جنگل و هوا و آب و خاک و دریا و مانند اینها را از کودکی بفهمند و روی آن حساس باشند. حفظ حریم محیط زیست باید جزئی از فرهنگ عمومی بشود. البته نقش رسانه‌ی ملی را هم نباید نادیده گرفت، بایستی حتماً رسانه‌ی ملی نقش ایفا کند اما مردم هم میتوانند کار کنند.

بنده یک مورد را خودم دیدم در یکی از بیلاقات مشهد - جاغرق - یک دوست قدیمی ما یک زمین کوچکی داشت و دارد. یک آب مختصری به‌قدر مثلاً نصف آنچه از لوله‌ی قوری می‌آید بیرون، آن بالا بود. این آب را جمع کردند، هدایت کردند، حفظ کردند، چند استخر در این زمین از این آب به‌وجود آمد و زمین آباد شد؛ از یک آب خیلی مختصر که میتوانست به هدر برود و هیچ‌کس هم نفهمد و نبیند.

یکی از دوستان ما نقل میکرد و میگفت در یزد - که خب، یزد جزو مناطق کم‌آب کشور است - یک نفری دعوت کرد



از ما در یک باغی، بوستانی - یک جایی ترتیب داده بود با درخت و کشت و زرع و همه چیز - گفتش که میخواهید منبع آب اینجا را ببینید؟ گفتیم بله. گفت ما را مبالغ طولانی ای برد - شاید مثلاً چند کیلومتر؛ حالا من درست یادم نیست خصوصیات را - آنجا رفتیم، دیدیم بله، به قدر یک لوله‌ی آفتابه، مختصر آبی دارد می‌آید؛ این آدم همت کرده، این آب را حفظ کرده، هدایت کرده، آورده، از این آب استفاده‌ی بهینه کرده. یعنی از این آبهای کشور میشود مردم در محیطهای زندگی خودشان استفاده‌های بهینه بکنند. «درخت کاری» از جمله‌ی کارهای خوب است. البته درخت را میکارند، من شنیدم درست نگهداری نمیشود. درخت کاری رایج شده اما درخت که کاشتید، باید درخت نگهداری کنید؛ حالا یا خودشان نگهداری بکنند یا دستگاه‌های شهرداری بکنند؛ بالاخره این کار باید انجام بگیرد. یک جاهایی هم هست در اطراف تهران - حالا این را من اینجا بگویم - طرف شرق تهران، یک بوستان بزرگی است، یک منطقه‌ی خیلی وسیعی است بین بزرگراه بابایی تا ارتفاعات قوچک؛ یک زمینی است متعلق به ارتش. بنده گاهی اوقات در این مسیرهای صبحگاهی در بعضی از روزها از آنجا میرویم و ارتفاعات را حرکت میکنیم، راه میرویم؛ من هر وقت آنجا میروم، دلم می‌لرزد! چون میدانم ده‌ها چشم طمع کار متوجه اینجا است. کارهایی هم شروع کردند، ما جلویش را گرفتیم، یک تشری زدیم، دعوایی کردیم؛ میدانم موقتاً دست برداشتند، اما منتظرند یک غفلتی صورت بگیرد؛ یا این حقیر نباشم، یا غفلتی پیش بیاید، بالاخره بروند اینجا را تصرف کنند؛ واقعاً انسان دلش می‌لرزد؛ یک بوستان بزرگ شاید چند صد هکتاری - نمیدانم چقدر است - که اصلش هم ظاهراً متعلق به ارتش بوده لکن الان مورد استفاده‌ی ارتش نیست و مورد اختلاف بین ارتش و وزارت اطلاعات و اینها است. به نظر من اینجا مال مردم است؛ اینجا باید به صورت یک گردشگاه عمومی مردمی دربیاید. مکرر هم من این را پیغام دادم به مسئولین گوناگون، شهرداری باید برود اینجا را تصرف کند، در اختیار مردم بگذارد. جای بسیار وسیع، خوب، خوش آب و هوا در شرق تهران، پُر درخت. حتی من یک وقتی آنجا دیدم یک گله‌ی آهو یا بز کوهی بود که از دور دیده میشد؛ یک جای این جوری. [این] در اختیار مردم قرار بگیرد، مردم بروند استفاده بکنند. اگر کوتاهی بشود، آنجا هم مثل بعضی جاهای دیگر [خواهد شد] که متأسفانه کوتاهی شد و یک وقت دیدیم که ساختمانها آنجا سر بلند کردند و مدعی پیدا شد، بعضی از دستگاه‌ها هم متأسفانه از روی غفلت - نه از روی غرض - فلان زمینها را به کارمندان خودشان دادند، آنها هم به یکی دیگر فروختند؛ این کارهایی و بی‌انضباطی‌هایی که متأسفانه در زمینهای زمینها و در زمینهای این منطقه‌ی تنفسی شهرهای بزرگ به وجود می‌آید و از این قبیل [قبلاً هم] به وجود آمده است. به هر حال مسئله مسئله بسیار مهمی است؛ کار کار مهمی است. ما در این زمینها همیشه هر سال صحبت کرده‌ایم. من حالا اینها را گفتم تا در معرض اطلاع مردم و قضاوت مردم قرار بگیرد و بر این اساس نمره بدهند به دستگاه‌ها. معیار، دست مردم باشد، به دستگاه‌ها نمره بدهند، قضاوت کنند راجع به دستگاه‌ها که کدام دستگاه توانست درباره‌ی محیط زیست این اقدامات را بکند و این موفقیتها را به دست بیاورد و کدام دستگاه نتوانست. امیدواریم ان شاء الله خداوند همه‌ی شماها را از کسانی قرار بدهد که میتوانند در این زمینها کار کنید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

۱) سوره‌ی رحمن، آیه‌ی ۱۰

۲) بدون توجه به

۳) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۹

۴) دکتر پرویز کردوانی

۵) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۶۱

۶) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۵



- (۷) همان
- (۸) سوره‌ی نحل، آیات ۹ تا ۱۳
- (۹) پیمان بین‌المللی بین کشورهای صنعتی به منظور کاهش گازهای گلخانه‌ای که عامل اصلی گرم شدن کره‌ی زمین هستند.
- (۱۰) خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران (۱۶/۱/۱۳۸۱)
- (۱۱) از جمله، بیانات در جمع زائران و مجاوران حرم رضوی در مشهد مقدّس (۱/۱/۱۳۹۰)
- (۱۲) و بعضی دیگر